

قرآن (.../...)

قرآن (.../...) کلام الله است. نسخه ای است که n بار نازل شده است. نسخه ی خواندنی تمام آفرینش و سپهر کل است. روح سپهر (معانی سپهری) در آن آسوده قرار دارد به گونه ای که حروف و کلمات آن زنده، فعال و کاملا هوشمند است. کتابی است که کلماتش نه فقط دلالت دارند بلکه واجد علیت و تاثیرات عجیبه اند. کتابی است که از بالای سپهر معرفت تا پایین آن امتداد دارد و در هر مرتبه با کل سپهر طولاً و عرضاً مرتبط است. این ارتباط در لایه های بسیاری، کاملاً آشکار و بی نیاز از معلم است و در برخی موارد، انسان نیازمند معلم (امام) می شود و در بسیاری دیگر نسخه لب دوخته است و معلم، اسرار آن را فقط به صاحب سر می گوید.

در مجموع برای فهم قرآن نیازمند مدرسه (دانش سرا) و معلم هستیم. اما در هر حال تمام اسرار آفرینش و همه علوم اول و آخر در آن در پیچیده است. **زیرا هر گاه خداوند سخنی بگوید به جز این نخواهد بود و نهایت ظرفیت انتقال معنا و مخاطبت از یک حرف، کلمه، جمله، فراز و کتاب به هزاران طور و شکل مورد بهره برداری قرار می گیرد.** بنابراین قرآن بی نهایت عمیق و شگفت انگیز است و غوص در آن بسیار هولناک است.



قرآن اگر چه نسخه ای برکاغذ است اما تماماً با هر نسخه دیگر متفاوت است و چونان الفاظ را به کار گمارده است که گویا هر یک از کلمات آن

فرشته ای آگاه، مهربان و کاملاً واکنشگر و مطلع از اسرار و مکنونات
مخاطب و حتی گذشته و آینده ی خواننده است!

به لحاظ معرفت شناختی، پیچیده ترین حجم هستی و عجیب ترین نسخه ی
کتاب شده است و هرگز نمی توان مانند آن را آورد. مگر اینکه کسی بتواند
خدا را دوباره بیافریند یا پیشتر خدا شده باشد! هر کس جزاین گمان کند
بویی از کمترین وجوه عظمت شیرین و بلند قرآن نبرده است. حقیقت قرآن،
همان حقیقت امام است و این دو بدون هم نیستند چون دو نمود از یک بود
هستند. مهدی در طلوع مهر قرآن را به مردم یاد می دهد.